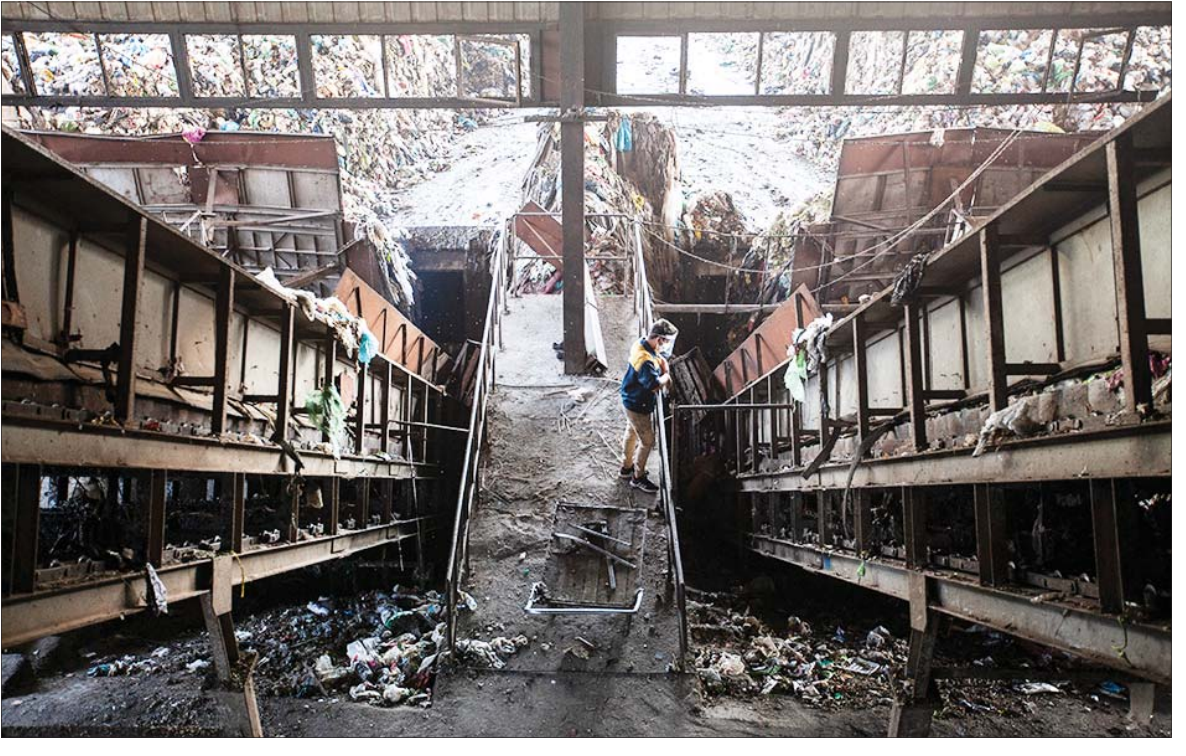


شرق

روزنامه

تفکیک زیاله در مجتمع آرادکوه کهریزک تهران، عکس: سهند تاکی، شرق



تحلیل

نگاه‌ها و نگرش‌های زیستی – اجتماعی پساکرونایی

راهبردی واقع‌بینانه و ریشه‌دار عاری از اندیشه زودبازده پرداخت. البته پیاده‌کردن چنین راهبرد سرنوشت‌سازی در دنیای به‌هم‌ریخته امروز کار بسیار سخت و دشواری به نظر می‌رسد. ولی امید بر این است که این بار از تجربه‌های تلخ و ناگوار دهه‌ها و سده‌های گذشته پند بگیریم و با مدیریت علمی، استراتژیک و پذیرش تعهد و تخصص به شرایط مردم ایران و آینده ایران اندیشه کنیم.

۱. **بازیبنی و دورنگری:** درجهت یادآوری، پرهیز از پروگنوی و دستیابی به رهنمودهای تجربه‌شده علمی، نکته‌نظرات تجربی و نظری کماشته‌شده در دهه‌ها و سده‌های اخیر در اجتماعات در حال توسعه یا جوامع توسعه‌یافته را به طور فشرده و خلاصه در سه طیف نظری و تجربی به شرح زیر می‌توان مقوله‌بندی کرد:
۱. مجموعه رهاوردهای تجربی و نظری پر فراز و فرود شکل‌گرفته و سازمان‌یافته در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی که از قرن‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی تاکنون ادامه داشته و در گفتمان‌های گوناگون انعکاس یافته و در حرکات، جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی تبلور یافته، از توفان تحولات اقتصادی- اجتماعی دوره رنسانس برخاسته است. کمالینکه پس‌لرزه‌های آن تا امروز ادامه دارد. پیامد چنین تحولات اقتصادی- اجتماعی به شکل‌گیری اجتماعات و جوامع گوناگون در قالب دولت- ملت‌ها و روابط و مناسبات اجتماعی ناعادلانه درون دولت- ملت‌ها منجر شده که این شکل‌گیری دولت- ملت‌ها با فراز و فرود تاکنون ادامه دارد.

۲. نظریه‌های گوناگون مقید به زمان و مکان و نظریه‌های مجرد عام، شکل‌گرفته پراپادیم‌های کلان و قالب‌بندی‌شده در مکاتب متضاد، متناقض، توجیه‌گرایانه انتقادی از ساختار و کارکرد رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی ناموزون، نابرابر و وابسته برخاسته است که گاهی خود این نظریه‌ها و مکاتب توجیه‌گر جنگ‌ها و جدال‌های وحشتناک بوده است. گاهی این جنگ و جدال‌ها و کشت و کشتارها تحت عنوان حمایت از دموکراسی، کمک به مردم کشورهای در حال توسعه و دفاع از آزادی و دموکراسی تلقی شده است. کمالینکه این سیاست و کیاست هنوز هم ادامه دارد.

۳. فروپاشی نظام و روابط و مناسبات فئودالی در اروپا که منجر به شکل‌گیری نظام جدید با ساختار، کارکرد و عملکرد رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی تحت عنوان روابط و مناسبات سرمایه‌داری شد، با شعار آزادی، برابری و برادری انقلاب‌های گوناگون را پدید آورد و چون به اهداف خود دست نیافت، نظام روابط و

مناسبات سوسیالیستی و کمونیستی از درون آتشفشان نظام و روابط و مناسبات سرمایه‌داری در کشورهای غربی و کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین سر برآورد و کشورها و ملت‌های تازه شکل‌گرفته، نورس و ناپخته از بالا به پایین را در مقابل هم قرار داد و درنهایت با وجود دستاوردهای عظیم اقتصادی و فناوری‌های غیرقابل تصور، نمره‌ای امیدبخش از این دستاوردها برای تهیدستان ایجاد نشد. کمالینکه، امروزه حکایت همچنان باقی است: یعنی کوخ‌نشینان در مقابل کاخ‌نشینان و گرسگان و فقرا در مقابل دزدان دریایی، دزدان سرزمین‌ها و منابع اقتصادی قرار گرفتند و حتی جنبش‌های برنامه‌ریزی‌شده در اشکال گوناگون در خلال قرن‌های نوزدهم و بیستم نتوانستند ساختار، کارکرد و عملکرد رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی و روابط و مناسبات نابرابری اجتماعی درون اجتماعات و جوامع و همچنین نظام جهانی و روابط و مناسبات بین‌المللی نابرابر را در جهت نیازها و خواست‌های انسان و انسانیت قرار دهند. واقعیت اینکه، بحران‌ها و بن‌بست‌های کنونی که هستی اجتماعات و جوامع انسانی و نیز نظام اقتصاد جهانی را زیر سؤال برده، حاصل چنین روند، فرایند، ساختار و کارکردی است. به نظر می‌رسد که جامعه جهانی و مدیریت جامعه جهانی به دلایل و واقعیت‌های موجود، توانایی گذر از وضع نامطلوب کنونی (بی‌کاری، نابرابری، تبعیض، نابرابری اجتماعی و...) را ندارد. به این دلیل است که نگرش‌های مخالف و موافق منطقه‌ای و جهانی بر این است که تهاجم ویروس کووید- ۱۹ شاید این پارادوکس‌های درون و بیرون جامعه‌ای را به جای برساند!! به این خاطر است که به طور ضمنی و تلویحی از پساکرونای زیستی- اجتماعی سخن گفته می‌شود و نظر تلویحی بر این است که پساکرونا، نظام جهانی و روابط و مناسبات درون و برون جامعه و در نهایت روابط و مناسبات نابرابر بین‌المللی و یک‌سویه که با دیپلماسی غیرانسانی و خلاف شرعی، خصلت و فطرت انسانی، نظام جهان هستی را به سخره گرفته است، از هم خواهد پاشید. بنابراین نزوای نوینی در راه است. با این وصف، مدیران اقتصاد جهانی و همدستان آنان در خرده‌نظام‌های منطقه‌ای و اجتماعات و جوامع موجود درصدد بازسازی روابط و مناسبات اجتماعی و جهانی شلیک هستند تا شیوه موجود استعمار، استثمار، سلطه‌گری را در شکل و قالب پایدار دیگری نگه دارند. کمالینکه نظام فئودالی غرب در قالب نظام سرمایه‌داری و نظام ارباب- رعیتی در اغلب کشورهای در حال توسعه آسیایی حفظ شد!

تجربه دیگران

دچار فقر شدید شوند. تعداد افرادی که از نظر تغذیه و مواد غذایی در وضعیت به‌شدت ناامنی قرار دارند، به‌سرعت افزایش خواهد یافت. هراقت درصد در تولید ناخالص جهانی به معنای ۷۰۰ هزار کودک دچار کمبود رشد است، حتی در کشورهایی که منابع غذایی فراوان را بهتر مورد توجه قرار دهند. باید اجازه داد دسترسی فراگیرتری به مواد غذایی سالم و مغذی فراهم شود. نمی‌توانیم فراموش کنیم که نظام‌های غذایی تا ۲۹ درصد از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای، از جمله ۴۴ درصد متان را شامل می‌شوند و تأثیر منفی بر تنوع زیستی دارند.



سیف‌الله سیف‌الهی
جامعه‌شناس

حرکات اجتماعی روزافزون چند دهه اخیر در ایران و جهان گرچه امیدها و ناامیدی‌های فراوانی را در رهایی از بحران‌ها و بن‌بست‌های کنونی و پیامدهای آن پدید آورده است اما این امیدها و ناامیدی‌ها اغلب به دلیل کم‌توجهی به ریشه‌های ریشه‌دار بحران‌ها و بن‌بست‌ها بر «طل‌های توخالی»، «تنورهای داغ»، «بگومگوها» و «جدل‌های سوگیرانه» نواخته می‌شوند، بنابراین، از یک سو با صحنه‌آرایی‌های محافظه‌کارانه، موقعیت‌سنجی‌های صاحبان منافع و همراه با نگرانی از آینده‌شان مواجه می‌شود و از سوی دیگر با تلاش‌ها و اعتراض‌های فاقدان قدرت دندان‌تیزکرده بر غنای باقی‌مانده در سفره آشکار و نهان کشور توده مردم، روشنفکران فاقد دانش انتقادی و بینش علمی و منتظران عاقبت‌طلب رنگ و بوی تندتری به خود می‌گیرد. جالب توجه اینکه هر دو طیف با آرایش نیروهای خود در انتظار بهره‌گیری از رخدادهای پیشا و پساکرونا و ویروس کووید- ۱۹ زیستی- اجتماعی سنگر گرفته‌اند تا در اولین فرصت با زاینش و افزایش امواج آشفته و گسیختگی‌های اجتماعی طرح و برنامه‌های فرموله‌شده خود را برای تقسیم غنایم و برای تصدی مسئولیت‌های سنگین عین‌الدوله‌ای کمر خدمت به مردم همه چیز از دست‌رفته ببندند تا صاحبی دیگر با گفت‌وگوهای تاریخ مصرف گذشته و به تاریخ سپرده‌شده، اجتماعات و توده‌های مردمی را با ایجاد خوش‌باوری‌ها و امیدهای واهی در انتظار روز موعود سرگرم و در بزنگاه تاریخی و اجتماعی رها کنند، واقعیت امر اینکه، چنین خواب و خیال‌هایی راه به مقصد و مقصود نخواهد برد. چرا چنین روش‌نشی بر ما مقرر است؟ پاسخ به این پرسش دردناک هم‌آسان است و هم سخت! چنین نگرش یاس‌آور و ناامیدکننده‌ای، دستاورد تجربه و پسماند تاریخ‌گذشته است و از بطن و متن جامعه بالقوه سرزمین ایران و از حرکات ناموزون، ناپایدار و پیرامون برمی‌خیزد. پس در چنین شرایط و موقعیتی راه چاره چیست؟ راه چاره این است: باید با حوصله، بدون ریا و تزویر، بدون به‌خاشیه‌راندن اندیشمندان و مردان مقتدر، مدبر و اعتقاد به توسعه انسانی، دست به کار شد و از تجربه‌های تلخ گذشته آموخت که فقط با تحلیل و تبیین علمی و بهره‌گیری از جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی توسعه و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و اقتصادی به برنامه‌ریزی

در معرض بی‌غذایی

دیپکرکل سازمان ملل متحد گزارشی داده است از میزان امنیت غذایی پس از انتشار ویروس کرونا و بیماری کووید ۱۹ که در آن نکات متعددی یادآوری شد. در این گزارش آمده است: در این دنیا برای سیرکردن جمعیت هفت میلیارد و ۸۰۰ میلیون‌نفری مسا، بیش از میزان نیاز، غذا وجود دارد. اما، امروز، بیش از ۸۲۰ میلیون نفر گرسنه هستند و حدود ۱۴۴ میلیون کودک زیر پنج سال دچار کمبود رشد هستند؛ یعنی در سرتاسر جهان بیش از یک کودک از هر پنج کودک، امسال ممکن است حدود ۴۹ میلیون نفر دیگر به علت بحران کووید۱۹

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ • ۲۳ شوال ۱۴۴۱ • ۱۵ ژوئن ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۴۳ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳

اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

بایک زمانی

نور ولوزیست



استاد برجسته‌ای در کار پزشکی هستند، جوانی را در ایران گذرانده‌اند و مدتی طولانی است که در آمریکا اقامت دارند. در صفحه خود در یادداشتی که به بهانه مرگ جورج فلوید نوشته بودند اشاره می‌کردند که «این سیاه‌ها همه تبهکارند، باین‌همه امکانات که در اختیار دارند باز هم راه خلاف می‌روند».

مدیر مدرسه‌ای در شمال کشور بوده‌اند و انسان فرهیخته‌ای هستند. سال‌هاست بازنشسته و به‌رسم نوین در فضای مجازی روزگار می‌گذرانند. در مطلبی به بهانه قتل رومینا نوشته‌اند: «معلوم نیست هرکدام از ما به‌جای پدر رومینا بودیم چه می‌کردیم!»

در کامنت‌های هر دوی اینها یک قتل فجیع تحت‌الشعاع مسائل دیگری قرار گرفته و گمان می‌کنی مثل یک واقعه دهشتناک، اما اجتناب‌ناپذیر یا قابل‌فهم با آن برخورد شده تا حدی که گمان می‌کنی حداقل ذره‌ای از قیاحت آن می‌کاهد و این در حالی است که اطمینان داری هر دو انسان‌های دانشمند و پاکدلی هستند که ذره‌ای ناخوشی بر تن هرکس قبلشان را به لرزه درمی‌آورد.

اینکه آنچه در آمریکا می‌گذرد، ادامه جنگ‌های داخلی آمریکاست، جای تردید ندارد. جنگی که خون‌بارترین جنگ داخلی تاریخ لقب گرفت، روی کاغذ به پایان رسید، اما از روز ترور لینکلن در ایرا تا همین امروز، تا قتل جورج فلوید ادامه یافت و بستر فرهنگی‌ای که این جنگ در آن جریان دارد آنچنان عمیق و خوشان است که یک پزشک خارجی انسان‌دوست را هم به کام خود می‌کشد؛ جنگ شمال و جنوبی که نژادپرستی و خشونت از محورهای اصلی آن هستند.

خشونت در بیابان‌های کم‌آب مشرق‌زمین ریشه‌هایی چندین‌هزارساله دارد؛ ریشه‌هایی عمیق که هزاران سال پیش تداوم بقا در این سرزمین را ممکن کرد، اما هربار و حتی در هر آیینی که تلطیف این خشونت را سرلوحه اهداف خود قرار می‌داد هم دوباره و چندباره سر برمی‌آورد. خشونتی که از عمیق‌ترین و یاستانی‌ترین قسمت‌های مغز برمی‌خیزد و از آنجا که حتی ساختار مغز ما هم متأثر از چنین تجربیات و چنین تاریخی است، بخشی از شالوده وجود همه ماست.

درک و تحلیل آن جنگ داخلی خون‌بار (که شاید خود ادامه جنگ‌های خون‌بار قاره دیگر قاره اروپا بود) و درک و شناخت این ریشه‌های خشونت‌بار قرون‌هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند دلیلی باشد برای توجیه این جنایات و فرقه مسئولیت از ضمیمه خوداگاه افراد. درک و آگاهی به خودی‌خود مسئولیت به دنبال می‌آورد و آنکه اطلاع پیدا می‌کند دیگر نمی‌تواند بی‌تفاوت یا جانبدار باقی بماند که در اصل بی‌تفاوتی و جانبداری هم هر دو در برابر چنین جنایاتی از یک جنس هستند.

آکادمی

از داس تازانو

ملت آلمان به‌عننوان یک ملت، بی‌شرمانه‌ترین جنایات را به انجام رساند، اما تا همین امروز تنها ملتی است که به ریشه‌های خشونت در اندیشه‌های روزمره‌اش اشرف پیدا کرده، از آنها تبری جست و در برابر قربانیانشان زانو زد. اگرچه بسیاری از ملل دیگر هم جنایت‌هایی ملی انجام داده‌اند، اما هیچ‌کدام به این درجه از مسئولیت‌پذیری نرسیده‌اند.

در دادگاه نورنبرگ برای اولین و شاید آخرین‌بار در تاریخ به تمامی ریشه‌های منجر به ظهور پدیده نازیسم توجه شد و مسئولیت تمام افراد در این اندیشه منحنط ملی بازخواست شد؛ از «کارل اشمیت»، فیلسوف بزرگی که رسماً به‌عنوان فیلسوف حزب مورد تقبیح قرار گرفت تا «مارتین هایدگر»، فیلسوف بزرگ قرن که حمایتش از نازیسم مطرودش کرد و سال‌ها بعد تنها با اهتمام «هانا آرنت» توانست به اعتباری که لایق آن بود بازگردد و «ارزا پاند»، شاعر بزرگ قرن که تقریباً تمام قرن بیستم را زیست، نه‌تنها اندیشمندان زنده که پنبه فیلسوفان و اندیشمندانی که دهه‌ها و قرن‌ها قبل از ظهور نازیسم در تبلور اندیشه آلمان و آلمانی برتر نقش داشتند هم حلاجی شد. از «هگل» و «واگنر» که اندیشه آلمان برتر و دولت وایمار را تئیندند تا ابرمرد «نیچه» که معلوم شد خود هیتلر است و همیشه با عصای نیچه همه‌جا می‌رفت (عصایی که از خواهر نیچه هدیه گرفته بود) تا «هاینریش هاینه»، شاعر محبوب هیتلر، همه‌وهمه در دادگاه نورنبرگ در تبلور یا بی‌تفاوتی در برابر ایده‌ای که ملتی را برتر می‌دانست، پس نژادپرستی محسوب می‌شد و خشونتی عریان که نتیجه غیرمستقیم همین تفکرات بود - البته به در جات مختلف - مقصر شناخته شدند.

کتاب فیلسوفان هیتلر نوشته «ایون شرّت» که اخیراً به فارسی هم ترجمه شده، بازخوانی مجدد همین پرونده است و تنها چراغی است فراراه آینده، به‌خصوص که دادگاه نورنبرگ برای هیچ ملت دیگری هم تاکنون برگزار نشده. آنچه مسئولیت افراد ساده و اندیشمندان را در برابر عقاید رایجی که ریشه در خشونت تاریخی دارند چندبرابر می‌کند این واقعیت است که در همان زمان عده زیادی با این‌س عقاید به مخالفت برخاستند و رنج‌ها بردند. «والتر بنیامین» از خوف درخیمان هیتلر خودکشی کرد، یوشیوان مکتب فرانکفورت به آمریکا پناهنده شدند و «مانس اشپربر» در قایقاسر مسکو اشک ریخت. همین امروز هم بیانیه مجامع علمی مثل آکادمی مغز و اعصاب آمریکا در تقبیح خشونت، بی‌عدالتی و نژادپرستی با شدیدترین و تندترین لحن ممکن حجت را بر همه تمام می‌کند. اندیشه‌ها و گفتارها حتی اگر در حد یک کامنت یا یادداشت هم باشند و تنها اندکی در محکوم‌کردن جنایاتی که بر سر عربانِ آنها هیچ تردیدی وارد نیست جنایتاتی که بر مسئولیت ما برای برخورد با ریشه‌های خشونت‌آمیزی که در وجود همه ما ریشه تاریخی دارند خدشه وارد می‌کنند و آنچه پیش‌تر گفته شد به این معنا هم هست که تعلل و مسئولیت‌ناپذیری بیش از مسئولیت‌پذیری امکان شیوع و انتشار دارد.

زمین سبز ۲

اتاق خواب‌هایی که به محل کار تبدیل شد

همان‌طورکه در بخش اول این گزارش متخصصان به بی‌بی‌سی بیان کردند، تغییراتی پس از دوران قرنطینه در زندگی شهری و وضعیت شهری بیش خواهد آمد. همان‌طورکه شرکت‌های بزرگ فناوری به نتیجه رسیدن‌اند امکان حضور کارمندانشان در منزل و انجام کار در خانه فراهم شده است و کارمندان بسیاری می‌دانند که کار از دور هر نه‌تنها امکان‌پذیر است بلکه می‌تواند درآمد ارجح است. در واقع به نظر می‌رسد شیوه جدید انجام کار از راه دور ممکن شده است. در بخش اول گزارش درباره آینده دفاتر کار و خالی‌شدن مراکز شهرها صحبت شد و حالا سؤال این است که چه تغییری در حمل‌ونقل و محیط زیست رخ می‌دهد.

مارگارت بل، استاد حمل‌ونقل و محیط زیست، دانشگاه نیوکاسل می‌گوید: «طبق تحقیقات ما در نیوکاسل ۷۰ درصد از سفرهای ۵۰۰کیلومتری سبب انتشار ۶۰درصد از کربن شدند. هرچه بیشتر سفر کنید، اثر آلاینده‌کی با تولید گازهای گلخانه‌ای بیشتر است». پل چشایر، استاد جغرافیا اقتصاد، دانشکده اقتصاد لندن، می‌گوید : «این یکی از طنزهای کم‌رئند سبز است: وفادارکردن مردم به رفت‌وآمد بیشتر. همین‌طور گرمایش و عایق‌بندی مسکن به‌ویژه در انگلیس، بسیار از نظر اتلاف انرژی ناکارآمدتر از دفاتر تجاری مدرن است». مارگارت بل، معتقد است: «برخی از کارهایی که ما در ستر انجام دادیم، نشان داد که اگر از خانه کار می‌کنید، به‌طور متوسط ۷۵ درصد بیشتر از حضور در محل کار انرژی صرف می‌شود و ۷۵ درصد کربن بیشتری تولید می‌شود. صرفاً و به این دلیل که اگر به گرمایش گاز، برق در خانه احتیاج دارید، این بیشتر از چیزی است که شما با کار نکردن با ماشین صرفه‌جویی می‌کنید. بنابراین، همراه با کار انرژو، معقول است که مشاغل محلی بتوانند دفاتر خدماتی گرم خود را باز کنند یا حتی شرکت‌هایی برای این منظور تأسیس کنند که با محل کار گرم میزبان کارمندانی باشند که در خانه نمی‌خواهند کار کنند و به محل کار دور خود در پایتخت هم نمی‌خواهند بروند». این استاد اشاره می‌کند: «نگرانی من این است که مردم اتومبیل بیشتری خریداری می‌کنند و افرادی که اتومبیل دارند، بیشتر از آنها استفاده می‌کنند. آنچه ما نیاز داریم، انگیزه‌هایی است برای استفاده بیشتر از دوچرخه.

روایت

دولت‌مداری به سیاق دستورات لازم



صادق زیباکلام

● فصل جابه‌جایی‌های مسکن که فرا رسیده، فغان مستأجرها از افزایش قیمت اجاره‌بها بلند شده است. همین موجب شده تا رئیس‌جمهور به وزیر مسکن دستورات لازم را برای سروسامان‌دادن به وضعیت مسکن ابلاغ کند. پیش از این هم وقتی قیمت پراید بالا رفته بود، آقای روحانی دستور رسیدگی صادر کردند؛ سیل آمده بود و آقای رئیس‌جمهور از مناطق سیل‌زده بازدید به عمل آوردند و دستورات لازم را صادر کردند؛ رئیس‌جمهور ضمن بازدید از سیستم‌وبلوچستان دستورات لازم را به‌منظور محرومیت‌زدایی از آن استان صادر کردند. رئیس‌جمهور بر ایجاد اشتغال و رفع بی‌کاری در سفرشان به کرمانشاه تأکید کردند و دستورات لازم را صادر کردند؛ هقدر این جملات برایمان آشنا هستند. صدور دستورات لازم و تأکید برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فقرزدایی، محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال، مبارزه با فساد و قس‌علی‌هذا. باوری در میان مسئولان ما به وجود آمده که اگر درباره مشکلی دستوری صادر شود، اگر آن مشکل به کل حل نشود، دست‌کم اقداماتی در آن زمینه صورت خواهد گرفت. در دوران آقای احمدی‌نژاد که این داستان دیگر حکایتی شده بود، می‌دانم هقدر یادتان می‌آید که در سفرهای استانی ظرف ۴۸ ساعت صدا، آری صدها طرح بزرگ و کوچک استانی تصویب و برای اجرا به مسئولان ابلاغ می‌شد. اگر فرض‌مان بر این باشد که مسئولان قصد تبلیغات ندارند و واقعا تصور می‌کنند که وقتی دستورات لازم برای فقرزدایی یا باین‌آمدن قیمت پراید یا بالارفتن فلان مسئله یا ایجاد امید صادر می‌کنند، تغییری به وجود می‌آید، ای‌کاش فقط برای یک بار هم که شده برای صدور دستورات لازم یک بررسی می‌فرمودند که ببینند آیا کوچک‌ترین تغییری پس از صدور دستورات لازم‌شان صورت گرفته است. مسئله فقط این نیست که صدور دستورات لازم فقط یک زیست تبلیغاتی بیشتر نیست؛ مسئله مهم‌تر آن است که اگر حتی فرض بگیریم که پیشرفتی رخ هم بدهد، با پرسش بنیادی‌تری درباره نحوه مدیریت دولت رویه‌رو می‌شویم. معنای دیگر این اتفاق آن است که اگر «دستورات لازم» صادر نشده بود، پس هیچ اتفاقی نمی‌افتاد؛ یعنی اگرکرد مسا به‌گونه‌ای است که مقامات دیگر عملاً کارهای نیستند و پیشرفت فقط زمانی رخ می‌دهد که دستورات یا توصیه‌های لازم ابلاغ می‌شود و تا قبل از آن آب هم از آب تکان نمی‌خورد. خود مقامات دیگر دهن‌شان گویی نمی‌رسد تا دستور از سوی ریاست محترم جمهوری صادر شود و آنها سپس اقدام کنند؛ یعنی نظام مدیریتی از این بدتر نمی‌شود که هیچ‌کس تا قبل از صدور دستورات لازم، به ذهنش نمی‌رسیده که باید چه کار کند و چه وظیفه‌ای دارد. باید همه صبر می‌کردند تا مقام مسئول دستورات لازم را صادر کند.

پیشخوان

ریشه‌نگر، نه تندرو



● شماره ۱۳۵ فصلنامه «نگاه نو» با پرونده‌ای از فریبرز رئیس‌دانا و تیتز «ریشه‌نگر، نه تندرو» در توصیف این فرد تأثیرگذار ایران منتشر شد. این شماره نگاه نو، بخش ویژه دیگر نیز دارد؛ «ایران و روسیه» و «بحران کرونا و بحران جهان». در بخش ایران و روسیه مقالاتی از حسن بهشتی‌پور درباره ویژگی‌های ساختار قدرت در روسیه و روابط ادبی امروز ایران و روسیه از آبتین گلکار منتشر شده است. الهه کولایی در این بخش به تأثیر تحولات سیاسی بین‌المللی بر روابط ایران و روسیه پرداخته است. همچنین در بخش نجران کرونا و بحران جهان، شیرین کریمی درباره هانا آرنت و فاصله‌گذاری اجتماعی نوشته است و ماندانا فرادیان مقاله‌ای از اووهان پاموک درباره رمان‌های مبتنی بر همه‌گیری‌های بزرگ به ما چه می‌آموزند، پرویز صداقت درباره چشم‌اندازهایی از دل کرونا و احمد سیف نیز درباره اقتصاد پساکرونایی نوشته‌اند. اما در بخشی نیز به‌طور ویژه به درگذشتگان این روزها پرداخته شده است. محمد درویش درباره اسکندر فیروز، بنیان‌گذار محیط زیست ایران، محمد مالجو درباره فریبرز رئیس‌دانا، علی‌اصغر سیدآبادی درباره تری‌لا قزل‌اباغ، علی میرزایی درباره نجران دریابندری و همچنین همدانی درباره سکوت مرد زبان (جورج استاینر) نوشته‌اند. همچنین شمس لنگرودی از منظر متفاوت و ۸۰سالگی احمدرضا احمدی پرداخته است. این شماره «نگاه نو» که اولین شماره آن در سال ۹۹ است، در ۲۶۰ صفحه و با قیمت ۴۰ هزارتومان منتشر شد.